

کیمسان

اخیرا سید علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد با انتقاد از حجم بالای قوانین، آئین‌نامه‌ها و پخشنامه‌های دولتی، از تبدیل شدن دولت و حاکمیت به کارخانه تولید مقررات انتقاد کرده است. به گفته او، صدور مداوم مقررات جدید، در مواردی حتی با هدف تسهیل امور، به دلیل تعارض و تراحم با قوانین موجود موجب افزایش سردرگمی تولیدکنندگان و تِجار و ایجاد مانع در فعالیت بختی خصوصی شده است. وزیر اقتصاد تأکید کرده که تنقیح قوانین، رفع تعارض مقررات و ارتقای کیفیت قوانین جدید برای بهبود فضای کسب‌وکار ضروری است.

گزارش حاضر به بررسی نتایج پژوهش‌های طرح تنقیح قوانین و مقررات کشور که از سوی معاونت

ناکارآمد است. این فرآیند باید همگام با تغییرات اقتصادی و فناوری ادامه یابد تا بار اداری کاهش و محیط کسب‌وکار پیش‌بینی‌پذیرتر شود.

۶۴۰۰ قانون و ۴۱ هزار حکم در تولید!

بررسی وضعیت قوانین و احکام قانونی در ۹ حوزه صنعت، کشاورزی و منابع طبیعی، معدن، تجارت، میراث فرهنگی و گردشگری، حمل‌ونقل، بیمه، کار و تأمین اجتماعی نشان می‌دهد که در طرح تنقیح قوانین و مقررات کشور که از سوی معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی انجام شده، در مجموع ۶۴۵۲ قانون و ۴۱ هزار و ۵۷۶ حکم قانونی در این حوزه‌ها شناسایی شده است. از این تعداد، ۲۴۵۱ قانون و ۱۲ هزار و ۷۰ حکم قانونی

ناکارآمد است. به طوری که از مجموع ۱۲ هزار و ۱۵۵ حکم قانونی این حوزه، ۶۳۸۷ حکم نامعتبر اعلام شده است. در این حوزه همچنین از مجموع ۱۴۵۰ قانون، ۵۹۲ قانون در وضعیت نامعتبر قرار دارد. در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی نیز ۱۷۰۶ قانون و ۱۱ هزار و ۴۵ حکم قانونی شناسایی شده که به ترتیب ۷۷۷ قانون و ۱۴۶۱ حکم نامعتبر است. این حوزه از نظر تعداد کل قوانین، بیشترین حجم قوانین را در میان حوزه‌های مورد بررسی دارد. در حوزه حمل‌ونقل از مجموع ۱۱۵۹ قانون و ۷۳۸۱ حکم قانونی، به ترتیب ۲۱۰ قانون و ۱۱۲۷ حکم نامعتبر تشخیص داده شده است. در میراث فرهنگی و گردشگری نیز از مجموع ۵۵۹ قانون و

۲۲۱۱ مورد می‌رسد؛ از این تعداد، ۱۹ قانون و ۱۶۵ حکم نامعتبر است. در سه حوزه دیگر، یعنی بیمه، کار و تأمین اجتماعی نیز که به شکل‌های مختلف با حوزه تولید و خدمات کشور مرتبط است؛ حجم قابل توجهی از مقررات شناسایی شده. در حوزه بیمه، از مجموع ۲۹۱ قانون و ۱۶۹۴ حکم قانونی، به ترتیب ۲۲۳ قانون و ۲۴۲ حکم نامعتبر است. در حوزه کار، ۱۸۶ قانون و ۱۰۴۲ حکم شناسایی شده که از این میان ۷۹ قانون و ۳۵۴ حکم نامعتبر است. همچنین در حوزه تأمین اجتماعی، از مجموع ۳۹۸ قانون و ۱۱۱۰ حکم، ۱۹۶ قانون و ۴۹۳ حکم در زمره مقررات نامعتبر قرار دارد.

تنقیح قوانین باید از یک فعالیت صرفا حقوقی به بخشی از سیاست اقتصادی تبدیل شود. در واقع تلاش کشورها برای تبدیل نشدن دولت و حاکمیت به کارخانه تولید مقررات نیز ناظر بر همین مسئله است؛ یعنی مقررات جدید گاهی نه فقط تسهیل‌کننده نیستند، بلکه در کنار قوانین موجود تعارض ایجاد کرده و بر سردرگمی فعالان اقتصادی می‌افزاید.

پیچیدگی، تعارض و به‌روز نبودن آنهاست. در ادامه، سه پیامد تورم قوانین برسی می‌شود. اولیسن پیامد، افزایش هزینه‌سه ورود به فعالیت اقتصادی است. هر مقرره می‌تواند برای کارآفرین به معنای صرف زمان، دریافت مجوز، استخدام نیروی متخصص و تحمل هزینه‌های حقوقی و اداری باشد. تعدد مجوزها و احتمال تعارض مقررات، منابع سرمایه‌گذار را به جای توسعه تولید، صرف فرایندهای اداری می‌کند و در نهایت، عدم قطعیت مقرراتی به مانعی برای سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود.

۳ پیامد تورم تورم قوانین این نکته را باید متذکر شد که هیچ اقتصادی بدون قانون و مقررات نمی‌تواند به درستی عمل کند و حوزه‌هایی مانند حقوق مالکیت، رقابت، محیط‌زیست و ایمنی به چارچوب قانونی نیاز دارند. بنابراین، مسئله «قانون بد» یا «هرچه قانون کمتر، بهتر» نیست، بلکه مشکل زمانی ایجاد می‌شود که مقررات جدید بدون بازبینی و حذف قواعد قبلی انباشته‌شوند و مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌های متعارض، هم‌پوشان و قدیمی شکل بگیرد. در واقع در اقتصاد کارآمد، قانون باید قواعد روشن و قابل پیش‌بینی ایجاد کند اما پیچیدگی و تغییر مداوم مقررات، قانون را از ابزار تنظیم‌گری به هزینه‌ای برای فعالان اقتصادی تبدیل می‌کند. بنابراین مسئله فقط تعداد قوانین نیست، بلکه حجم،

می‌تواند علاوه‌بر افزایش هزینه بنگاه‌ها، شفافیت اقتصادی، پایه مالیاتی و رقابت سالم را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد. **تجربه جهانی؛ کاهش بار مقرراتی** مسئله تورم قوانین فقط مختص ایران نیست، تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که ساده‌سازی مقررات، ایجاد بشار اداری، یک فرایند مستمر حکمرانی است. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) نیز در گزارش ۲۰۲۶ خود بر همین مسئله تأکید کرده است. بر اساس این گزارش، انباشت مقررات در بسیاری از کشورها موجب افزایش حجم و پیچیدگی الزامات، فرایندهای انطباق و تکالیف اداری شده و می‌تواند پویایی اقتصادی و بهره‌وری را کاهش دهد. در همین گزارش، ۷۲ درصد دولت‌های مورد بررسی و سازمان‌های بخش خصوصی در ۹۰ درصد کشورها، سطح مقررات و بروکراسی را بیش از حد ارزیابی کرده‌اند.

سازمان OECD اعلام کرده، برنامه‌های کاهش بار اداری از دهه ۱۹۸۰ در کشورهای مختلف دنبال شده و از سال ۲۰۲۲ تاکنون، ۹۱ درصد دولت‌های مورد بررسی اقداماتی برای کاهش بار مقرراتی آغاز کرده‌اند. این اقدامات از ساده‌سازی فرایندها تا بازبینی مقررات موجود و حذف قواعد پیچیدگی می‌شود.

لازم به توضیح است که حذف قوانین نامعتبر در سال‌های اخیر در مجلس شورای اسلامی پیگیری و با رفت‌وبرگشت‌های بین قوه مقننه و شورای نگهبان، بخش عمده قوانین نامعتبر حذف شده است. با این حال، تعداد بالای قوانین و احکام معتبر و همچنین تجارب جهانی نشان می‌دهد؛ ساده‌سازی مقررات به‌معنای حذف صرف قانون نیست؛ بلکه نیازمند بازبینی مستمر، حذف مقررات زائد و اصلاح قواعد ناکارآمد است.

اقتصاد معاصر

صفحه ۱۲

شنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۵

۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۵۵۹

را زائد را در برمی‌گیرد. نکته مهم آن است که هدف این سیاست‌ها الزاماً کم کردن تعداد قوانین به هر قیمت نیست. بلکه مسئله، ایجاد قوانین منسجم، شفاف، متناسب و قابل پیش‌بینی است. حتی OECD نیز هشدار می‌دهد که حذف مقطعی چند مقررّه، بدون اصلاح فرآیند تولید مقررات جدید، می‌تواند پس از مدتی دوباره به انباشت مقررات منجر شود.

مدریت موجودی قوانین

از این منظر، تنقیح قوانین باید از یک فعالیت صرفاً حقوقی به بخشی از سیاست اقتصادی تبدیل شود. در واقع تلاش کشورها برای تبدیل نشدن دولت و حاکمیت به کارخانه تولید مقررات نیز ناظر بر همین مسئله است؛ یعنی مقررات جدید گاهی نه فقط تسهیل‌کننده نیستند، بلکه در کنار قوانین موجود تعارض ایجاد کرده و بر سردرگمی فعالان اقتصادی می‌افزاید.

بنابراین اقتصاد ایران برای افزایش تولید و سرمایه‌گذاری صرفاً به مشوق‌های جدید نیاز ندارد؛ بخشی از سیاست حمایت از تولید می‌تواند حذف موانعی باشد که در طول زمان در ساختار مقرراتی ایجاد شده‌اند. هر قانون جدید باید علاوه‌بر مسئله‌ای که حل می‌کند، از منظر هزینه‌ای که به بنگاه تحمیل می‌کند، باید نسبت آن با مقررات موجود و امکان حذف یا ادغام قواعد قبلی نیز ارزیابی شود. در نهایت مسئله ایران صرفاً زیاد بودن قوانین نیست، بلکه مسئله چرخه‌ای است که در آن مقررات جدید بر مقررات قبلی انباشته می‌شوند و قواعد متعارض در کنار یکدیگر باقی می‌مانند و قوانین قدیمی بدون ارزیابی مجدد به حیات خود ادامه می‌دهند. نتیجه این چرخه، افزایش هزینه‌سه ورود، کاهش پیش‌بینی‌پذیری، فشار بیشتر بر بنگاه‌های کوچک و انتقال بخشی از منابع مدیریتی و مالی از تولید و سرمایه‌گذاری به انطباق اداری است.

از این منظر، طرح‌های مربوط به فهرست قوانین و احکام نامعتبر را نباید صرفاً پروژه‌ای برای مرتب‌سازی نظام حقوقی دانست. اگر این فرایند به حذف واقعی مقررات زائد، رفع تعارض‌ها و اصلاح قواعد نامتناسب منجر شود، می‌تواند بخشی از سیاست کاهش هزینه تولید و بهبود محیط کسب‌وکار باشد.

قوانین مجلس شورای اسلامی انجام شده پرداخته است. طبق نتایج طرح مذکور، در ۹ حوزه صنعت، کشاورزی و منابع طبیعی، معدن، تجارت، میراث فرهنگی و گردشگری، حمل‌ونقل، بیمه، کار و تأمین اجتماعی که مستقیماً و غیرمستقیماً با حوزه تولید و بخش خدمات مرتبط هستند، نشان می‌دهد حدود ۳۸ درصد از قوانین و ۲۹ درصد از احکام قانونی شناسایی شده در این حوزه، نامعتبر هستند.

لازم به توضیح است که حذف قوانین نامعتبر در سال‌های اخیر در مجلس شورای اسلامی پیگیری و با رفت‌وبرگشت‌های بین قوه مقننه و شورای نگهبان، بخش عمده قوانین نامعتبر حذف شده است. با این حال، تعداد بالای قوانین و احکام معتبر و همچنین تجارب جهانی نشان می‌دهد؛ ساده‌سازی مقررات به معنای حذف صرف قانون نیست؛ بلکه نیازمند بازبینی مستمر، حذف مقررات زائد و اصلاح قواعد

بازار لوازم خانگی در شرایطی با افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید خانوارها مواجه است که تقاضا برای خرید این کالاها نیز تحت‌تأثیر شرایط اقتصادی کاهش یافته است؛ وضعیتی که این پرسش را مطرح می‌کند: «چرا با وجود افت تقاضا، قیمت لوازم خانگی همچنان افزایش می‌یابد و چه عواملی موجب شده خانوارها خرید این کالاها را به تعویق بیندازند؟»

در نخستین گزارش این پرنوده، به سراع فروشندگان و فعالان مراکز عرضه لوازم خانگی رفته‌ایم تا از نگاه آنان، وضعیت فروش، تغییر رفتار مشتریان، نوسان قیمت‌ها و چالش‌های تأمین و فروش کالا را بررسی کنیم.

در ادامه ایسن پرنوده، دیدگاه تولیدکنندگان درباره هزینه‌های تولید، مواد اولیه و عوامل مؤثر بر قیمت نهایی کالا و همچنین روایت خریداران از کاهش قدرت خرید، تغییر اولویت‌های مصرفی و دلایل به تعویق انداختن خرید لوازم خانگی منتشر خواهد شد تا ابعاد مختلف این بازار از نگاه سه ضلع اصلی آن، یعنی فروشنده، تولیدکننده و مصرف‌کننده، مورد بررسی قرار گیرد.

در بازار لوازم خانگی آمین‌حضور، وپترین‌ها همچنان بر از کالاهایی است که روزگاری خرید آن‌ها برای بسیاری از خانواده‌ها چندان دور از دسترس نبوده؛ اما حالا افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید، فاصله میان تمایل به سه خرید و توان پرداخت را بیشتر کرده است. مشتریان به فروشگاه‌ها مراجعه می‌کنند، قیمت مدل‌های

نوسانات نرخ ارز و تغییر قیمت خرید از شرکت‌ها باعث شده فروشندگان علاوه‌بر قیمت کالای موجود در انبار، نگران هزینه جایگزینی آن نیز باشند؛ به بیان دیگر، مسئله فقط قیمت فروش کالای موجود نیست، بلکه این است که فروشنده پس از فروش آن، با چه هزینه‌ای می‌تواند کالای مشابهی را جایگزین کند.

مختلف را می‌پرسند و گاهی پس از چند بار مقایسه، بدون خرید از مغازه خارج می‌شوند؛ اتفاقی که به گفته فروشندگان، بیش از گذشته تکرار می‌شود.

قیمت‌ها تا روزانه تا لحظه‌ای

یکی از فروشندگان لوازم خانگی، وضعیت قیمت‌ها را بی‌ثبات توصیف می‌کند. به گفته وی، برخلاف گذشته که قیمت یک کالا برای چند

روز مشخص بود، اکنون در برخی موارد فروشنده هنگام مراجعه مشتری مجبور است قیمت را دوباره از شرکت یا تأمین‌کننده استعلام کند.

نوسانات نرخ ارز و تغییر قیمت خرید از شرکت‌ها باعث شده فروشندگان علاوه‌بر قیمت کالای موجود در انبار، نگران هزینه جایگزینی آن نیز باشند؛ به بیان دیگر، مسئله فقط قیمت فروش کالای موجود نیست، بلکه این است که فروشنده پس از فروش آن، با چه هزینه‌ای می‌تواند کالای مشابهی را جایگزین کند. در برخی موارد ممکن است مشتری صبح قیمت کالایی را بپردازد اما هنگام بازگشت در همان روز، فروشنده ناچار باشد قیمت را دوباره استعلام کند.

بررسی روند قیمتی لوازم خانگی ایرانی

بررسی روند قیمت دو مدل از لوازم خانگی ایرانی در فاصله شهریور تا مهر ۱۴۰۵، افزایش محسوس قیمت‌ها را نشان می‌دهد. میانگین قیمت ماشین لباسشویی هشت کیلوپی یک برند داخلی در نیمه شهریور حدود ۷۰۰ میلیون و ۳۴ هزار تومان بوده اما در ۱۸ مهر به حدود ۷۵ میلیون و

بررسی تغییرات قیمت برخی لوازم خانگی خارجی نیز از افزایش قیمت‌ها حکایت دارد. برای نمونه، میانگین قیمت ماشین لباسشویی ۹ کیلوپی یک برند خارجی در دهم شهریور ۱۴۰۵ حدود ۳۹۹ میلیون و ۹۳۴ هزار تومان بوده که این رقم در دهم مهر به حدود ۳۱۲ میلیون و ۲۶۹ هزار تومان رسیده است. بر این اساس، قیمت این کالا

اقتصادی

پایام دوم اینکه تغییر شرایط رقابت به زبان بنگاه‌های کوچک‌تر است. شرکت‌های بزرگ معمولاً واحدهای حقوقی و مالی دارند و می‌توانند هزینه تغییرات مقرراتی را مدیریت کنند اما برای بنگاه‌های کوچک، همان الزامات می‌تواند بخش قابل توجهی از منابع مالی و مدیریتی را مصرف کند. سازمان OECD نیز تأکید کرده که بنگاه‌های کوچک‌تر به دلیل ظرفیت کمتر برای مدیریت پیچیدگی مقرراتی، معمولاً با هزینه‌های بیشتری مواجه‌اند.

پایام سوم، گسترش فعالیت‌های غیررسمی است. هرچه فعالیت رسمی از نظر هزینه و سهولت با فعالیت غیررسمی فاصله بیشتری داشته باشد، انگیزه خروج از چارچوب رسمی افزایش می‌یابد. بانک جهانی نیز بر ارتباط پیچیدگی مقررات شروع کسب‌وکار با سطوح بالاتر، غیررسمی شدن فعالیت‌ها و فساد تأکید کرده است. بنابراین، مقررات اضافی

درصد و مواد اولیه ABS حدود ۱۸۸ و نیم درصد افزایش یافته است.

افزایش قیمت مواد اولیه می‌تواند بر هزینه‌های تولید اثر بگذارد؛ هرچند میزان تأثیر آن بر قیمت نهایی هر محصول به عوامل دیگری از جمله هزینه

بازار لوازم خانگی زیر سایه قیمت‌ها



پنجخال‌فریزر ساییداساید اول شهریور حدود ۷۵۵ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان اعلام شده، در حالی که این رقم در دهم مهر به حدود ۴۵۲ میلیون و ۲۹۱ هزار تومان رسیده است. به این ترتیب، قیمت این کالا در فاصله حدود ۴۰ روز، نزدیک به ۷۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، معادل حدود ۲۰ و سه دهم درصد، افزایش یافته است.

فشار افزایش هزینه‌ها تنها به سطح فروش محدود نمی‌شود. با استناد به معاملات بورس کالا، قیمت برخی مواد اولیه مورد استفاده در صنعت لوازم خانگی طی یک سال افزایش چشمگیری جهیزیه نیز دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که برخی خانواده‌ها به‌جای تهیه هم‌زمان چند قلم کالای بستگی دارد.

بسیاری از مشتریان پس از اطلاع از قیمت‌ها، خرید خود را به تعویق می‌اندازند یا به سراع مدل‌های ارزان‌تر می‌روند. این وضعیت در خرید جهیزیه نیز دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که قیمت پلی‌پروپیلن ۲۹۶ و سه دهم درصد، ورق رنگی ۱۹۱ و سه دهم

این اظهارات، فارغ از اینکه میزان دقیق گندم تحویل‌نشده و مقصد نهایی آن نیازمند بررسی آمارای است، یک مسئله مهم را برجسته می‌کند؛ تولید مناسب به‌تنهایی برای تضمین خرید داخلی و تشکیل ذخایر دولتی کافی نیست. سیاست خرید تضمینی باید به گونه‌ای اجرا شود که کشاورز علاوه‌بر برخورداری از قیمت مناسب، از دریافت به‌موقع بهای محصول خود نیز اطمینان داشته باشد.

واردات گندم با وجود خودکفایی!

در شرایطی که دولت برای تأمین گندم مورد نیاز کشور و ذخایر راهبردی به واردات نیز متکی است، ضعف در سازوکار خرید داخلی می‌تواند هزینه‌های ضایعی ایجاد کند. در گزارش مربوط به بوجه سال ۱۴۰۵، واردات سه میلیون تن گندم برای تأمین ذخایر راهبردی پیش‌بینی شده و هزینه آن نیز به‌عنوان بخشی از منابع مورد نیاز یا جبران کمبود ذخایر به واردات بیشتری نیاز پیدا کند؛ موضوعی که علاوه‌بر هزینه خرید، منابع ارزی کشور را نیز درگیر می‌کند.

اهمیت امنیت غذایی در شرایط جنگی

اهمیت این مسئله در شرایط جنگی بیش از گذشته است. در چنین شرایطی، امنیت غذایی تنها به میزان تولید در پایان فصل برداشت وابسته نیست؛ بلکه به میزان تولید در طول فصل برداشت وابسته است. در این شرایط، به میزان از تولید داخلی که به دلیل ضعف در سیاست خرید، تأخیر در پرداخت یا کاهش انگیزه تحویل محصول از چرخه رسمی تأمین خارج شود، باید با دقت بررسی شود. اگر محصول داخلی با نیاز کارکنست خریداری و ذخیره نشود، کشور ممکن است برای تأمین نیاز در اواخر شهریور اعلام کرد که با وجود برآورد تولید حدود ۱۴ میلیون تن گندم، میزان خرید تضمینی حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار تن از پیش‌بینی اولیه کمتر بوده است. به گفته او، انتظار می‌رفت دست‌کم ۱۰ میلیون تن گندم به‌صورت تضمینی خریداری شود اما تأخیر در پرداخت مطالبات باعث شد بخشی از کشاورزان از تحویل محصول به مراکز دولتی خودداری کنند.



فصل جدید همچنان با بالانتکلفی مواجه‌اند. شواهد منتشرشده نیز نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری درباره نرخ گندم هنوز به نتیجه نهایی نرسیده بود. در جلسه کمیسیون تخصصی شورای قیمت‌گذاری در ۲۵ شهریور، ادامه بررسی قیمت خرید تضمینی گندم برای سال زراعی ۱۴۰۵-۱۴۰۶ در دستورکار قرار داشت. همچنین در ۱۲ مهر، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس از پیشنهاد میانگین ۸۵ هزار تومان برای هر کیلوگرم گندم خبر داد، اما تأکید کرد که این رقم هنوز قطعی نیست و باید مراحل بررسی و تصویب را طی کند. بنابراین، رقم ۸۵ هزار تومان را نمی‌توان نرخ مصوب دانست. مسئله اصلی این است که چرا با

اهمیت مسئله امنیت غذایی در شرایط جنگی بیش از گذشته است. در چنین شرایطی، امنیت غذایی تنها به میزان تولید در پایان فصل برداشت وابسته نیست؛ دسترسی به نهاده‌ها، توان مالی کشاورزان، استمرار کشت، خرید به‌موقع محصول داخلی و امکان تشکیل ذخایر مطمئن نیز از اجزای اصلی آن محسوب می‌شوند.

دستگاه‌های مختلف وابسته است و تصمیم نهایی درباره نرخ خرید تضمینی نیز در شورای قیمت‌گذاری اتخاذ می‌شود؛ اما وزارت جهاد کشاورزی در تشکیل جشت‌ها و پیگیری فرآیند تعیین و ابلاغ قیمت نقش مستقیم دارد و باید درباره علل تأخیر و اقدامات خود برای رفع آن پاسخگو باشد.

اگر نرخ تضمینی باید در مهلت قانونی مشخص می‌شد، انتظار می‌رود وزارت‌خانه توضیح دهد چرا فرآیند تصمیم‌گیری تا آغاز سال زراعی به نتیجه نرسیده و چه اقداماتی برای جلوگیری از تکرار این وضعیت انجام داده است. همچنین باید مشخص شود پیگیری مطالبات گندم‌کاران در چه سطحی صورت گرفته، چه مواعی در مسیر تأمین منابع وجود داشته و چه برنامه‌ای برای تسویه به‌موقع و تأمین هزینه‌های کشت پیش رو در نظر گرفته شده است.

در واقع، عملکرد وزارت جهاد کشاورزی را نباید فقط با آمار تولید پایان فصل یا میزان خرید تضمینی سنجید؛ نحوه مدیریت فصل بیش از کشت، زمان اعلام قیمت، پیگیری تأمین نهاده‌ها و سرعت تسویه مطالبات نیز بخشی از کارنامه این وزارتخانه است. تأخیر در این مراحل می‌تواند بخشی از دستاورز تولید را تضعیف کند و هزینه جبران آن را به بخش‌های دیگر اقتصاد منتقل کند. **خبرگزاری تسنیم**

در گزارش مربوط به بوجه سال ۱۴۰۵، واردات ۳میلیون تن گندم برای تأمین ذخایر راهبردی پیش‌بینی شده و هزینه آن نیز به‌عنوان بخشی از منابع مورد نیاز دولت مطرح شده است این در حالی است که در سال جاری اعلام شده بود که در تولید این محصول خودکفا هستیم.